

بررسی جایگاه اداری منصب کلانتری در کرمان دوره قاجاریه

محمد خداوردی تاج‌آبادی

استادیار گروه علوم سیاسی، واحد سیرجان، دانشگاه آزاد اسلامی، سیرجان، ایران

تاریخ دریافت: (۱۳۹۶/۰۷/۲۲) تاریخ پذیرش: (۱۳۹۹/۰۳/۲۵)

Investigating the Official Position of Kalantari in Kerman in Qajar Era

Mohammad Khodaverdi Tajabadi

Assistant professor, Political of Sciences Department, Sirjan of Unit,
Azad University of Islamic, Sirjan, Iran

Received: (2017. 10. 14)

Accepted: (2020. 06. 14)

Abstract

Being a Kalantar (police officer) was one of the important royal position in kerman in Qajar era and it was considered a high rank among official ranks in the state. The most important duty of a Kalantar was collecting taxes, providing discipline, security and supervision of food preparation and distribution among people. The present research answers the following questions: what were the conditions for obtaining the position of Kalantar (police officer) during the Qajar period? How did they change the power structure of this position? In addition to investigating Kalantari duties, we also investigate the royal of a Kalantar in political and social changes in kerman society. To provide answers for the mentioned questions, analytical and descriptive methods, library sources and also papers published in Qajar era were used to study about Kalantar position in kerman. The research findings show that Kalantar was chosen by the ruler or governor of the state and this position passed among individuals in powerful tribes in kerman. Kalantari power structure decreased due to lack of qualification of Kalantars in doing their duties or supporting political riots and also tribal competitions to win this position and also arrival of other powerful groups. They paved the way for more poverty among people by collecting taxes and evaluating basic goods hastily and without consulting. Also their unwise reactions against Sheikhiyya sect and their opponents caused city riots.

Keywords: Kerman, Qajar, kalantar position, kadhoda, Administrative structure.

چکیده

کلانتری از مناصب مهم حکومتی کرمان عصر قاجاریه بود، که موقعیت ممتازی در تشکیلات اداری ایالت داشت. مهمترین کارکرد کلانتر در این دوره گردآوری مالیات و تأمین نظم و امنیت و نظارت بر ارزاق شهری بود. در این مقاله برآنیم تا به این پرسش‌ها بپردازیم شرایط کسب مقام کلانتری در دوره قاجاریه چه بود؟ دگرگونی ساختار قدرت این منصب در دوره قاجاریه چگونه بود؟ ضمن بررسی کارکردهای منصب کلانتری نقش کلانترها را بر تغییرات سیاسی و اجتماعی جامعه شهری کرمان را نیز بررسی کنیم. برای پاسخ به پرسش‌ها به روش تحلیلی و توصیفی و بر پایه منابع کتابخانه‌ای و نشریات عصر قاجاریه جایگاه اداری کلانتر در کرمان بررسی شد. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که مقام کلانتری به وسیله حاکم تعیین و بین طوایف معروف و حکومتگر کرمانی دست به دست می‌شد. ساختار قدرت کلانتری به سبب عدم لیاقت کلانترها در انجام وظایف شان یا حمایت از آشوب‌های سیاسی و رقابت‌های خاندانی برای کسب این مقام و ورود نهادهای جدید تنزل یافت. کلانترها با اتخاذ شیوه‌های عجولانه و خودسرانه در جمع‌آوری مالیات و نرخ بندی کالاهای اساسی فقر مردم را فراهم نمودند. عملکرد نامعقول برخی از آنها در برابر فرقه نوظهور شیخیه و مخالفانشان مسبب آشوب‌های شهری شد.

کلیدواژه‌ها: کرمان، قاجاریه، منصب کلانتری، کدخدا، تشکیلات اداری.

۱. مقدمه

واژه کلانتر نخستین بار در دوره ایلخانی، به معنای رئیس و رهبر و پیشوا، در تشکیلات حکومتی ایران شیوع یافت (floor, 2012: xv/ 366؛ لمبتون، ۱۳۶۲: ۱۲). در دوران صفویه و قاجار به مأمور محلی حکومت که به کمک کدخدایان اداره شهر را برعهده داشت کلانتر می‌گفتند (خسرویگی، ۱۳۸۲: ۵۵). در کرمان عهد قاجاری وظیفه مقام کلانتری اجرای قانون بود، کلانتر در حکم واسطه میان مردم شهر و والی شناخته می‌شد؛ از این رو صاحب این مقام وظایف سیاسی و اجتماعی فراوان برعهده داشت. علی‌رغم آنکه مقام کلانتری نقش مؤثری در تشکیلات حکومتی کرمان عهد قاجار داشته؛ اما تاکنون پژوهش مستقلی درباره وظایف این منصب در کرمان، در این دوره انجام نشده است. اولین پژوهش مستقل درباره این منصب «مدخل کلانتر»، به قلم ویلم فلور در *دایره‌المعارف ایرانیکا* است. مؤلف در این مقاله تنها تصویری کلی از وظایف منصب کلانتری در ادوار مختلف تاریخی ایران در دو صفحه ارائه می‌دهد و در دو سطر به اجمال به معرفی وظایف کلانترهای روستاهای دو ایالت فارس و کرمان می‌پردازد (floor, 2012: xv/ 366- 367). مهدی فرهانی منفرد نیز در مقاله خود با عنوان «منصب کلانتری و چند سند در مورد دو تن از کلانتران عصر صفوی»، این مدخل را ترجمه و به همراه دو سند منتشر کرده است (فرهانی منفرد، ۱۳۷۸: ۴-۱۷). هوشنگ خسرویگی مقاله ای با عنوان «منصب کلانتر در اوایل دوره قاجار» در سال ۱۳۸۲ منتشر و ساختار و وظایف کلی کلانتر در ایران دوره قاجاری را بیان کرد و در چند سطر هم

به اختصار اسامی تعدادی از کلانتران کرمان آورد (خسرویگی، ۱۳۸۲: ۵۵-۶۳). پژوهش‌های دیگری درباره منصب کلانتری در شهرهای دیگر ایران انجام شده است؛ اما پژوهشگران هیچ اشاره‌ای به جایگاه کلانترهای کرمانی در دوره قاجار ندارند. این پژوهش کوشش دارد با تکیه بر منابع تاریخ محلی کرمان و نشریات عصر قاجاری، به بررسی ساختار قدرت و کارکردهای کلانتر در کرمان در این دوره بپردازد. سؤالات مقاله حاضر عبارت‌اند از: شرایط کسب مقام کلانتری در دوره قاجار چه بوده است؟ دگرگونی ساختار قدرت این منصب در دوره قاجار چگونه بوده است؟ و ضمن بررسی کارکردهای منصب کلانتری نقش کلانترها بر تغییرات سیاسی و اجتماعی جامعه شهری کرمان بررسی خواهد شد.

آثار احمدعلی خان وزیری منبع دست اولی برای تحقیق درباره وظایف منصب کلانتری کرمان در دوره قاجار است؛ زیرا برخی اطلاعات وزیری درباره این منصب در کرمان دوره قاجاری بر پایه گزارش‌هایی است که برخی کلانترهای کرمانی مانند محمدزمان خان کلانتر و میرزا ابوالحسن کلانتر (متوفی ۱۲۹۴ق) برای او روایت کرده‌اند (وزیری، ۱۳۸۵: ۱۴۸؛ همو، ۱۳۷۵: ۲/ ۶۷۲).

۲. پیشینه استقرار مقام کلانتر در کرمان قبل از

دوره قاجار و چگونگی تعیین کلانتر

پیشینه استقرار مقام کلانتری در کرمان به دوره

۱. رنجبر، روح الله، «وظایف کلانتر اصفهان بازخوانی یک سند در مورد وظایف کلانتر اصفهان در دوره صفویه» (۱۳۹۱: ۳۶۶-۳۷۳)؛ طباطبایی بهبهانی (منصور)، «سلسله کلانتران بهبهان» (۱۳۹۲: ۳۵-۴۵).

زندیه منحصرًا کلانتر از بین طایفه کلانتری انتخاب نمی‌شد؛ بلکه برخی مقامات حکومتی نیز به این منصب برگزیده می‌شدند؛ به عنوان نمونه در دوره حکمرانی تقی‌خان ڈرانی (حک: ۱۱۷۶-۱۱۷۸ق) میرزا حسین راینی (درباره وی قس: هدایت، ۱۳۳۹: ۸۲/۹؛ وزیر، ۱۳۷۵: ۲/۶۹۴) کلانتر کرمان، به حکمرانی و وزارت بخشی از ایالت کرمان منصوب شد. نیز زمانی که بزرگان کرمان از بدرفتاری و بی‌کفایتی میرزا حسین‌خان، والی کرمان (حک: ۱۱۷۹-۱۱۹۳ق) به دربار شیراز شکایت کردند، میرزا جعفر (وزیر دربار) پس از رسیدگی و اداره امور ایالت دستور داد تا این مقام را از میر برهان، برادر میرزا حسین‌خان، گرفته (وزیر، ۱۳۷۵: ۲/۶۹۶) و دوباره به یکی از افراد طایفه کلانتری کرمان به نام آقا تقی واگذار شود (وزیر، ۱۳۷۵: ۲/۶۸۴، ۶۹۶-۶۹۷)

۳. پیشینه مقام کلانتری در کرمان عهد قاجاری

بنابر گزارش احمدعلی‌خان وزیری در سال ۱۲۹۱ق، مقام‌های کلانتری کرمان و ضابطی دو بلوک خبیص^۲ و گوک^۳ در دوره قاجاری تقریباً بیش از هفتاد سال در این ایالت وجود داشت (احمدی کرمانی، ۱۳۷۱: ۳۶۶؛ وزیر، ۱۳۸۵: ۹۸، ۱۴۷-۱۵۲، ۱۹۹، ۲۵۸؛ رساله کاتب کرمانی، ۱۳۷۱: ۴۷۹، ۴۱۱). از آنجا که فتح ایالت کرمان به دست آقا محمدخان

صفویه باز می‌گردد، که با قصه‌های متعددی همراه شده است.^۱ از همان دوره خاندانی به کلانتری در کرمان موسوم و در آنجا مستقر شدند، انتخاب منصب کلانتری به صورت موروثی اغلب از بین افراد آن طایفه بود، که با درگیری‌ها و مشاجره‌هایی همراه گردید. به عنوان نمونه بعد از مرگ میرزا مظفر کلانتر (د. ۱۰۷۲ق) در سال ۱۱۰۰ق بین پسر او، میرزا علیرضا، و نوه دختری وی، میرزا شجاع ضابط خبیص، بر سر مقام کلانتری مشاجره و دعوا رخ داد (مشیزی، ۱۳۶۹: ۳۰۵). صفی‌شاه، شاه صفوی، (حک: ۱۰۷۵ - ۱۱۰۵ق)، به پیشنهاد اعتمادالدوله شیخ علی‌خان، به نفع میرزا علیرضا به سبب «قدمت خدمت ایشان» رأی داد (مشیزی، ۱۳۶۹: ۵۶۰)؛ بنابراین تعیین مقام کلانتری در دو ایالت کرمان و فارس در طی قرن‌ها به صورت موروثی در بین افراد سرشناس طایفه ای موسوم به کلانتری دست به دست می‌گردید (حسینی فسایی، ۱۳۶۷: ۲/۱۰۸۱). در کرمان دوره افشاریه نیز کلانتر

همچنان از بین افراد خاندان کلانتری انتخاب می‌شد، اما کلانترهای ایلات و عشایر از غیر افراد این طایفه بود (وزیری، ۱۳۷۵: ۲/۶۷۱). اما در کرمان دوره

۱. شاه عباس (متوفی ۱۰۳۸ق) در دوره زمامداری گنجعلی خان زیک (حک: ۱۰۰۵-۱۰۳۵ق) به صورت ناشناس در سال ۱۰۱۵ق در لباس مبدل به کرمان سفر کرد، و در خانه آقا تقی جد خاندان کلانتری کرمان اقامت گزید. آقا تقی بدون آگاهی از جایگاه شاه عباس لوازم میهمان نوازی را در حد توانش در حد کمال به جای آورد. شاه عباس مقداری پول نقد به رسم هدیه به آقا تقی تقدیم نمود، اما وی آن را قبول نکرد و گفت: من از میهمان پاداش نمی‌خواهم. زمانی که پادشاه عزم بازگشت به اصفهان نمود به خط خود منصب کلانتری کرمان را به آقا تقی عطا کرد (وزیری، ۱۳۸۵: ۱۴۷-۱۴۸).

۲. بلوک خبیص در شمال شرقی کرمان قرار داشت که از غرب به کوهپایه و از جنوب به بم و از شمال به دشت لوط، بین ایالت کرمان و خراسان محدود بود (وزیری، ۱۳۸۵: ۱۷۹).

۳. بلوک گوک و خبیص یک بلوک است خبیص جلگه ای و کویر و گوک کوهستانی بود (وزیری: ۱۳۸۵، ۱۸۰، ۱۸۱)

سوی علاءالملک، حاکم کرمان (حک: ۱۳۱۹-۱۳۲۰ق)، پسرش، میرزا علی‌خان در سن چهارده یا پانزده سالگی به کلانتری برگزیده شد (احمدی کرمانی، ۱۳۷۱: ۳۶۱)؛ اما به سبب کمی سنش دو نفر به نام‌های «عون‌الوزاره» و «حاجی ناظم‌العداله سید عبدالغفار» به عنوان نائب کلانتر امور کلانتری شهر را انجام می‌دادند (احمدی کرمانی، ۱۳۷۱: ۳۶۲).

شرط دوم انتساب به خاندان‌های حکومتگر کرمان و داشتن مسئولیت‌های اجرایی قبل از کسب مقام کلانتری بود. در صورتی که نامزد مقام کلانتری غیر از طایفه کلانتری بود، لزوماً می‌بایست جزء خاندان‌های حکومتی ایالت و دارای منصب حکومتی باشد. به عنوان نمونه یحیی خان، کلانتر کرمان، در دوره مرتضی‌قلی‌خان سرتیپ، معروف به وکیل الملک ثانی، حکمران کرمان (حک: ۱۲۸۵-۱۲۹۵ق)، ابتدا حکمران سیرجان و سپس مدتی کلانتری کرمان را عهده دار بود (وزیری، ۱۳۸۵: ۳۱۹، پانویس ش ۲). در دوران حکومت ظفرالسلطنه در کرمان (حک نوبت اول: ۱۳۲۰-۱۳۲۲ق)، کلانتری کرمان به میرزا حسن‌خان، فرزند حاجی موسی‌خان و از نوادگان ابراهیم‌خان ظهیرالدوله، واگذار شد (احمدی کرمانی، ۱۳۷۱: ۳۶۶؛ وزیری، ۱۳۸۵: ۱۴۲). میرزا حسن خان یکی دیگر از کلانترهای کرمانی مدتی قبل از نائل شدن

قاجار در سال ۱۲۰۹ق رخ داد (احمدی کرمانی، ۱۳۷۱: ۱۲۴) بنابراین می‌توان حدس زد که تقریباً از دهه دوم استقرار حکومت قاجاریه در ایالت کرمان مقام کلانتری در این ایالت وجود داشته است. براساس آگاهی‌های موجود در منابع تاریخی کلانترهای ایالت کرمان در سراسر دوره قاجار به سه دسته شهری، روستایی و عشایری تقسیم می‌شود. متأسفانه براساس منابع برجای مانده، اغلب گزارش‌ها در ایالت کرمان مربوط به کلانترهای شهر کرمان است. مقاله حاضر به ساختار قدرت و کارکردهای کلانترهای شهر کرمان در سراسر دوره قاجاری می‌پردازد، و در هر جا از کلانتر طوایف یا دیگر شهرهای ایالت نام برده می‌شود، تصریح می‌گردد.

۴. شرایط تعیین کلانتر کرمان در دوره قاجار

در تشکیلات حکومتی کرمان عهد قاجار برای کسب مقام کلانتری شرایطی مقرر شده بود. شرط اول داشتن پیوند نسبی با طایفه کلانتری کرمان بود، که یکی از طوایف مؤثر بر ساختار سیاسی و اجتماعی ایالت بود و قدمت این طایفه به دوره صفویه باز می‌گشت (وزیری، ۱۳۸۵: ۱۴۷-۱۴۹). انتخاب مقام کلانتری در دوره قاجار مانند دوره صفوی همچنان از بین افراد خاندان کلانتری بود. اگر جانشین کلانتر از طایفه کلانتری در سن قانونی نبود افرادی نائب کلانتر می‌شدند تا وی به سن قانونی برسد. به عنوان نمونه پس از مرگ مدیرالملک کلانتر^۱ (در سال ۱۳۱۹ق)، از

° اما از آنجا که یحیی احمدی در فرماندهان به ضرورت تاریخی نام میرزا مهدی خان کلانتر را به صورت کامل می‌آورد (احمدی کرمانی، ۱۳۷۱: ۲۸۶، ۳۱۵، ۳۵۱) بنابراین مدیرالملک باید میرزا محمد خان باشد که از وی به نام مدیرالملک یاد شده است (احمدی کرمانی، ۱۳۷۱: ۳۵۴).

۱. باستانی پاریزی معتقد است منظور از مدیرالملک، میرزا مهدی خان کلانتر است (باستانی پاریزی، ۱۳۷۱: ۳۶۱، پانویس ش ۲۷) →

۵. ساختار قدرت کلانتر در کرمان عصر قاجاریه در دوره صفویه قدرت در ایالت کرمان بین سه تن از شخصیت‌های مهم یعنی وزیر، شیخ الاسلام و کلانتر تقسیم می‌شد (باستانی پاریزی، ۱۳۶۹: ۳۵). در دوره قاجار در ایالت کرمان کلانتر پس از حکمران قرار داشت و به وسیله حاکم به این مقام انتخاب و القابی به او اعطا می‌شد؛ به عنوان نمونه با درگذشت میرزا محمدخان مدیرالملک، کلانتر کرمان، علاءالملک، حکمران کرمان (حک: ۱۳۱۹-۱۳۲۰ق)، در سال ۱۳۱۹ق میرزا علی‌خان، پسرش، را به مدیرالملک ملقب (احمدی کرمانی، ۱۳۷۱: ۳۶۱) و به کلانتری کرمان منصوب کرد (همان: ۳۶۱). در این دوره داروغه و کدخدا زیر دست کلانتر و تعیین کدخدا برعهده کلانتر بود (floor, 2012, xv/ 366, 367؛ اورسل، ۱۳۵۲: ۲۴۶؛ روزنامه دولت علیه ایران، ۶ ربیع‌الاول ۱۲۸۳ق: ۵)؛ چنان‌که میرزا خلیل، جد طایفه کدخداهای کرمان، به وسیله میرزا حسن‌خان کلانتر به مقام کدخدایی کرمان انتخاب گردید (وزیری، ۱۳۸۵: ۱۴۹، ۱۵۰). برخی کلانترهای کرمانی آنقدر معتمد حاکم به‌شمار می‌رفتند که دیدگاه‌های آنها در امور حکمرانی و دیوانی مورد توجه حاکم قرار می‌گرفت. به عنوان نمونه در ایام حکمرانی کیومرث میرزا عمیدالدوله (حک: ۱۲۷۵-۱۲۸۳ق)، در سال ۱۲۸۳ق محمدزمان‌خان کلانتر، به توصیه محمداسماعیل‌خان نوری (وکیل‌الملک اول)، به همراه دیگر رجال حکومتی هر روز در دیوان‌خانه حکومتی حاضر می‌شد و به امور دیوانی رسیدگی می‌کرد و بر تمام امور جزئی و کلی شهر نظارت و توجه فراوان داشت. او شکایت‌ها و درخواست‌های مردم را به

به مقام کلانتری به عنوان ضابط مشغول انجام خدمات دولتی بود (احمدی کرمانی، ۱۳۷۱: ۳۶۶؛ وزیری، ۱۳۸۵: ۱۴۲). نیز گاهی یکی از نزدیکان حاکم کرمان مانند رکن‌الدوله (حک: ۱۳۲۲ - ۱۳۲۳ق) یعنی رئیس خلوت^۱ به این مقام نائل شد. نیز یکی از پسران وکیل‌الملک ثانی، حاکم کرمان، به نام عدل‌السلطان (جزء خوانین کرمان و اغلب حاکم بافت و رئیس قره سوران بود) (رساله کاتب کرمانی، ۱۳۷۱: ۳۸۶؛ باستانی پاریزی، ۱۳۷۷: ۴۴۴، به رنگ کویر؛ گزارش‌های محرمانه هفتگی کنسولگری انگلیس در کرمان سال ۱۹۱۷ میلادی، ۱۳۹۸: ۲۷۴، ۲۷۵) به کلانتری کرمان برگزیده شد (رساله کاتب کرمانی، ۱۳۷۱: ۴۱۱). در دور دوم حکومت ظفرالسلطنه در کرمان (حک: ۱۳۲۳ق) یکی از خویشاوندان او به نام عدل‌السلطنه به کلانتری انتخاب شد (همان، ۱۳۷۱: ۴۷۹).

ظاهراً باسواد بودن سومین شرط احراز مقام کلانتری به‌شمار می‌رفت. کلانترهای کرمانی در دوره قاجار برای انجام وظایف حکومتی‌شان نیاز به سواد خواندن و نوشتن داشتند، به همین سبب معمولاً صاحبان این مقام از بین افراد با سواد جامعه برگزیده می‌شدند. برخی از آنها مانند میرزا ابوالحسن‌خان کلانتر (متوفی: ۱۲۹۴ق) شاعر و ادیب بودند (وزیری، ۱۳۸۵: ۱۶۴؛ احمدی کرمانی، ۱۳۷۱: ۲۸۴).

۱. منظور از خلوت، دربار حاکم کرمان و رئیس خلوت رئیس دربار بوده است، و معمولاً این شخص از نزدیکان و مقربان پادشاه یا حاکم انتخاب می‌شد. کسانی که به امین خلوت معروف بوده اند در دربارهای پادشاهان خدمت می‌کردند. به عنوان نمونه اقبال‌الدوله که به عنوان امین خلوت معروف و در دربار ناصرالدین شاه و حسنعلی خان غفاری در دربار مظفرالدین شاه به کار مشغول بودند (سلیمانی، ۱۳۷۹: ۳۷، ۴۶).

بنشانند. میرزا کاظم، کلانتر کرمان، از بیم جان آن دو، آنها را به سیستان فراری داد (احمدی کرمانی، ۱۳۷۱: ۱۸۴-۱۸۸؛ سلیمانی، ۱۳۷۹: ۱۱۹). به همین دلیل آقاخان محلاتی که به جای شجاع‌السلطنه حاکم کرمان شده بود (حک نوبت اول: ۱۲۵۱-۱۲۵۳ق)، به دستور محمدشاه (حک: ۱۲۵۰ - ۱۲۶۴ق) در سال ۱۲۵۲ق چهار چشم میرزا کاظم کلانتر و پسرش، محمدزمان خان (د. ۱۲۹۱)، کلانتر و عامل مالیات حومه کرمان پس از پدرش، را درآورد (احمدی کرمانی، ۱۳۷۱: ۱۹۲؛ قس: وزیر، ۱۳۸۵: ۱۴۸).

۲. در صورتی که کلانتر به خوبی از عهده وظایف خود بر نمی‌آمد یا از موقعیت سیاسی خود سوءاستفاده می‌کرد به درخواست حاکم کرمان زندانی می‌شد.

میرزا مهدی خان در دوران حکومت عبدالحمید میرزا ناصرالدوله فرمانفرما (حک: ۱۲۹۹-۱۳۰۹ق) کلانتر کرمان و حومه و خبیص بود (احمدی کرمانی، ۱۳۷۱: ۳۱۵). وی در انجام مسئولیت خود مستبدانه رفتار می‌کرد و برخی کارها را با پرداخت مبالغ هنگفت پیش می‌برد. سرانجام مردم از بی‌عدالتی‌های میرزا مهدی خان به ستوه آمدند و بر او شوریدند؛ زیرا شخصیت و مقام کلانتری را با هبه و بخشش و پرداخت رشوه خدشه‌دار کرده و افراد جوان و نالایق و بی‌تجربه ای را در رأس امور اداری قرار داده و بر جان و ناموس مردم مسلط کرده بود (روزنامه *حبل‌المتین*، ۲۷ شوال ۱۳۲۳، ۱۰/۹؛ همان: دوشنبه، ۲۹ رمضان ۱۳۲۳، ۱۰/۱۷) به نظر می‌رسد میرزا مهدی خان کلانتر به سبب همین رفتار نامناسبش با مردم در حکمی به صورت تلگراف، از سوی میرزا علی‌اصغر خان اتابک اعظم

کیومرث میرزا اطلاع می‌داد و بنابر دستور او احکام حکومتی برای اقشار مختلف صادر می‌کرد (روزنامه دولت علیه ایران، ۶ ربیع الاول ۱۲۸۳: ۵).

نیز کلانترها برای انجام وظایف‌شان از عاملین مالیاتی، کدخداهای، فراش‌ها و گاهی اوقات ضابطین بهره می‌بردند (روزنامه *حبل‌المتین*، ۸ ذیقعه ۱۳۲۳: ۱۰/۱۲، ۱۳؛ همان، ۲۹ رمضان ۱۳۲۳: ۱۰/۱۶؛ رساله کاتب کرمانی، ۱۳۷۱: ۳۹۳، ۴۰۷، ۴۰۸، ۴۲۱، ۴۲۲؛ احمدی کرمانی، ۱۳۷۱: ۳۱۲، ۳۱۴، ۳۱۵؛ وزیر، ۱۳۸۵: ۱۴۸؛ Floor, 2012, xv/366-367؛ باستانی پاریزی، ۱۳۸۲: ۳۱۵، ۳۲۴، ۳۲۵) و به همراه سایر مقامات حکومتی در ارگ حکومتی مستقر می‌شدند (رساله کاتب کرمانی، ۱۳۷۱: ۴۲۳، ۴۷۴) و خلعت کلانتری می‌پوشیدند که بر روی آن نشانه مخصوصی قرار داشت (رساله کاتب کرمانی، ۱۳۷۱: ۴۲۲). به نظر می‌رسد کلانترها با این پوشش قصد داشتند تا ضمن آگاهی افراد جامعه از جایگاه سیاسی و اداری‌شان، یاریگر آنها در انجام وظایف‌شان باشند. در دوره قاجار در کرمان، پس از مدتی به تدریج قدرت کلانتر رو به ضعف نهاد. تضعیف قدرت کلانتر در کرمان به چهار دلیل بود:

۱. در صورت حمایت کلانتر از فتنه‌جویان و توطئه‌گران سیاسی، دربار او را به شدت مجازات می‌کرد؛ مثلاً بعد از مرگ فتحعلی‌شاه قاجار (۱۲۵۰ق) شجاع‌السلطنه، پسر فتحعلی‌شاه و حکمران کرمان (حک: ۱۲۴۸-۱۲۵۱ق)، دو فرزند خود، هلاکو میرزا و فروغ‌الدوله، را در کرمان به جانشینی خود گماشت و به سوی شیراز رفت تا برادر خود، حسینعلی میرزا فرمانفرما، حاکم شیراز (حک: ۱۲۰۳-۱۲۵۱ق) را به جای پدر بر تخت پادشاهی

۶. کارکردهای اصلی منصب کلانتر در کرمان دوره قاجار

وظایف کلانتر در کرمان در دوره صفویه مشتمل بر سه حوزه بود: الف) گردآوری مالیات: نسق شتر، نسق روغن، نظارت بر دریافت مجزیه المجوس، رسیدگی و نظارت بر اموال عمومی ایالت تا افراد سودجو آنها را تاراج نکنند؛ مانند نظارت بر استخراج قانونی از معادن. ب) به عنوان نماینده حاکم در امور سیاسی و ساختار اداری ایالت: مانند تعیین منزل وزیر در کرمان، عزیمت کلانتر به همراه وزیر به اصفهان، دیدار از غلام خاصه هنگام ورود از اصفهان به کرمان. ج) حفظ نظم و برقراری امنیت عمومی در اماکن شهری و سرپرستی امور اجتماعی جامعه و نظارت بر غیرمسلمانان. رسیدگی به اختلافات برادر وزیر حاکم کرمان با داروغه و نظارت بر شیوه زندگی و روابط اجتماعی زرتشتیان با مسلمانان. (مشیزی، ۱۳۶۹: ۲۱۹، ۳۷۷، ۳۹۱، ۴۰۰، ۴۰۵، ۴۰۶، ۴۱۴، ۴۱۵، ۵۲۹، ۵۳۹، ۵۷۶، ۵۷۸، ۵۸۰، ۶۴۱).

در دوره افشاریه ماهیت حکومت بر حذف و کاهش نفوذ مقام کلانتری بود. نادر پس از دیدار با خاندان قلی‌بیگ، حاکم کرمان (حک: ۱۱۵۹-۱۱۶۰ق) وی را در سال ۱۱۶۰ق کشت؛ زیرا معتقد بود که خاندان قلی‌بیگ وی را مسخره کرده است. همچنین آقا فتحعلی کلانتر کرمان، جد خاندان کلانتری کرمان، و بسیاری دیگر از کلانترهای بی‌گناه ایالت به دستور نادر به قتل رسیدند و به دستور او از سرهای آنان کله منار ساخته شد (ر. ک: وزیر، ۱۳۷۵: ۱/۲، ۶۶۸، ۶۷۰، ۶۷۱، ۶۷۲).

در دوره زندیه، بنابر قابلیت‌های فردی برخی از

(۱۲۷۵-۱۳۲۵ق)، زندانی شده بود؛ و حاجی آصف‌الدوله غلامرضاخان، حکمران کرمان (حک: ۱۳۱۵-۱۳۱۷ق)، در ۱۴ شعبان ۱۳۱۵، پس از ورود به کرمان میرزا مهدی‌خان را از زندان آزاد کرد و به شغل پیشین خود بازگرداند (احمدی کرمانی، ۱۳۷۱: ۳۵۱، ۳۵۲).

۳. دلیل سوم رقابت‌های دو خاندان معروف مقیم کرمان (ابراهیمی و وکیلی) برای احراز منصب کلانتری بود؛ آن‌چنان‌که برخی از کلانترهای کرمانی منتخب از طایفه وکیلی، به سبب خصومت‌شان با خاندان ابراهیمی، با برخی از حکام منصوب کرمانی این خاندان به نزاع برخاستند و حتی خواستار عزل آنها از منصب حکومت بودند. اما دربار با آگاهی از این موضوع نه تنها خواسته آنها را محقق نمی‌کرد بلکه با قاطعیت از موضع خود دفاع می‌نمود. به عنوان نمونه عدل‌السلطان کلانتر به سبب منافع و کینه‌های شخصی خود در سال ۱۳۲۳ق مخالفت خود را درباره عزل رکن‌الدوله و انتصاب ظفرالسلطنه به حکومت کرمان به ولیعهد دربار، محمدعلی میرزا، اعلام کرد؛ اما دربار به مخالفت او واقعی نهاد (رساله کاتب کرمانی، ۱۳۷۱: ۴۵۸، ۴۶۰).

۴. پس از دوران استبداد صغیر و استقرار مجدد مشروطه‌خواهی نهادهای جدیدی تأسیس و از قدرت کلانتر کاسته شد؛ آن‌چنان‌که کلانتر حق اعتراض و دخالت در امور سیاسی ایالت را نداشت و قدرت وی محدود به برقراری نظم شهری گردید. به عنوان نمونه کلانتر کرمان، ولی‌خان، در هشتم رجب سال ۱۳۲۵، پس از عزل نصرت‌الدوله فیروزمیرزا، حاکم ایالت (حک: ۱۳۲۴-۱۳۲۵ق)، از طرف دربار مسئولیت نظم عمومی شهر را عهده‌دار شد (روزنامه صور اسرافیل، هشتم رجب ۱۳۲۵: ۴).

۲۸۵، ۲۸۶؛ باستانی پاریزی، ۱۳۸۲: ۳۲۴، ۳۲۵). از آنجا که اغلب مردم کرمان کارگران صنایع بافندگی بودند، عمده مالیات شهری کرمان در دوره قاجار نیز مربوط به این صنعت بود. به عنوان نمونه در ایام زمامداری طهماسب میرزا مؤیدالدوله (حک: ۱۲۶۸-۱۲۷۱ق) ۲۴۰۰ دستگاه بافندگی در کرمان وجود داشت (ابوت، ۱۳۹۵: ۲۱۹؛ منشی کرمانی، ۱۳۹۱: ۸۵-۸۸، ۹۲، ۱۰۲، ۱۰۷، ۱۱۰)

یکی از شیوه‌های مرسوم دریافت مالیات نقدی به‌وسیله کلانترهای کرمانی در سال‌هایی که صاحبان اصناف توانایی پرداخت میزان مالیات را نداشتند، اعمال تعدی و افزایش نرخ مالیات بود. در دوران زمامداری وکیل‌الملک ثانی (حک: ۱۲۸۵-۱۲۹۵ق)، در سال‌های ۱۲۹۱-۱۲۹۴ق خشکسالی و قحطی در کرمان پدید آمد (احمدی کرمانی، ۱۳۷۱: ۲۸۵، ۲۸۶؛ باستانی پاریزی، ۱۳۸۲: ۳۲۴، ۳۲۵) در طی این سال‌ها درآمد زارعان، نانوایان و برخی اصناف به شدت کاهش یافت و آنها قادر به پرداخت مالیات نبودند. میرزا مهدی‌خان، کلانتر کرمان، در سال ۱۲۹۴ق بر میزان نرخ مالیات افزود تا بدین وسیله مالیات‌های عقب افتاده ایالت را وصول کند. زمانی که صاحبان اصناف با افزایش نرخ مالیات مواجه شدند، بر قیمت اجناس و نیز صاحبان کارگاه‌های بافندگی نیز برای تولید بیشتر منسوجات خود بر میزان ساعت کاری کارگران افزودند. پیامد این سیاست کلانتر غلام‌گرانی اجناس ضروری مردم به ویژه نان در کرمان بود. لذا توده مردم و کارگران بافنده بر نانوایان و اصناف شهری شورش کردند و مخالفان حکومت با آنها همراه شدند. بدین ترتیب اعتراض کارگری در این شهر در مخالفت با حکومت قاجاری پدید آمد

کلانترها، وظایف گسترده‌تری به آنها داده شد؛ آن‌چنان‌که گاهی از سوی دربار به عنوان ناظر بر اعمال والی بود، تا ظلم و تعدی والی را به دربار گزارش کند. دربار زندیه در صورت بی‌عدالتی و نارضایتی مردم از والی به عزل کلانتر اقدام می‌کرد (وزیری، ۱۳۷۵: ۲/ ۶۹۶-۶۹۷).

وظایف کلانتر کرمان در دوره قاجار دنباله همان کلانتر دوره صفویه بود؛ البته با این تفاوت که در دوره صفوی کلانتر دارای قدرت سیاسی بود، اما در دوره قاجاریه پایگاه مردمی بیشتری داشت و از وظایف سیاسی وی کاسته و بر حوزه اختیارات اجتماعی وی افزوده شد. به‌طور کلی وظایف وی در دوره قاجار گاهی به عنوان حامی مردم در برابر حکومت کرمان در چهار حوزه «جمع‌آوری مالیات»، «رابط میان مردم و حکومت» و «وظیفه انتظامی و تأمین نظم و امنیت» و «نظارت بر اصناف و نرخ‌بندی عادلانه ارزاق ضروری شهری» قابل بررسی است.

۱-۶. جمع‌آوری مالیات

یکی از منابع مهم درآمد دولت قاجار مالیات‌هایی بود، که از مردم جمع‌آوری می‌شد. در ایالت کرمان در دوره قاجاری تعیین نرخ و جمع‌آوری مالیات توسط صاحب‌منصبان مختلف از جمله کلانتر، و به دو طریق اخذ می‌شد:

۱-۱-۶. دریافت مالیات از اصناف شهری

بنابر گزارش‌های موجود در منابع برجای مانده از دوره قاجار، برخی اصناف شهری کرمان مانند صاحبان کارگاه‌های بافندگی، تجار، نانوایان، بقال‌ها، غله‌فروش‌ها و میوه‌فروش‌ها ملزم به پرداخت مالیات سالانه به کلانتر بودند (روزنامه حبل‌المتین، ۲۹ رمضان ۱۳۲۳: ۱۰/ ۱۶؛ احمدی کرمانی، ۱۳۷۱:

بخشی از مالیات را پذیرفت (رساله کاتب کرمانی، ۱۳۷۱: ۳۸۳، ۳۸۴).

۱-۶ - ۲ مالیات بر اراضی کشاورزی روستا

جمع‌آوری مالیات حومه و روستاهای نزدیک کرمان^۱ نیز بر عهده کلانتر کرمان بود (روزنامه حبل‌المتین، ۲۹ رمضان ۱۳۲۳، ۱۰/۱۶). کلانترهای کرمانی در دوره قاجار، برای جمع‌آوری مالیات روستایی از دو روش بهره می‌گرفتند: یا کدخداهای شهری را به روستاها مأمور می‌کردند و یا خودشان به روستاها می‌رفتند. به عنوان نمونه میرزا مهدی‌خان کلانتر در دوره حکومت عبدالحمید میرزا ناصرالدوله (حک: ۱۲۹۸-۱۳۰۹ق) کدخدایی را برای دریافت مالیات به روستا فرستاد (براون، ۱۳۸۶: ۴۶۷). کلانتر گاهی اوقات برای جمع‌آوری مالیات حومه کرمان به تنهایی بدون سرباز و یساول به مزارع و مناطق اطراف شهر سفر می‌کرد و در روستا به جای دریافت مالیات از زارعین و واداشتن خراج‌گذاران به پرداخت مالیات، با دریافت هدیه و یا وجه ناچیزی، به عنوان مساعده، یا دریافت علف یا غله و گاه که قیمتی نداشت با خراج‌گذار همراهی می‌کرد (روزنامه حبل‌المتین، ۲۷ شوال ۱۳۲۳ق: ۱۰/۹). همچنین کلانترهای کرمانی بدون در نظر گرفتن خشکسالی و یا آفت‌زدگی محصولات کشاورزی، بزرگان را ملزم به پرداخت مالیات می‌کردند. دولت قاجار در چنین شرایطی از کشاورز حمایتی نمی‌کرد، بلکه بزرگر خود ناگزیر به پرداخت مالیات یا جریمه از درآمد شخصی‌اش بود (روزنامه حبل‌المتین، ۸ ذیقعه ۱۳۲۳: ۱۰/۱۳).

(احمدی کرمانی، ۱۳۷۱: ۲۸۵، ۲۸۶؛ باستانی پاریزی، ۱۳۸۲: ۳۲۵) دولت قاجاری برای سرکوبی آشوبگران و برقراری نظم و امنیت و جمع‌آوری مالیات یکی از فرماندهان عالی‌رتبه نظامی موسوم به «حسنعلی‌خان زرین کمر» را به کرمان فرستاد. وی میرزا مهدی‌خان کلانتر را به عنوان مسبب این شورش به تهران تبعید کرد (احمدی کرمانی، ۱۳۷۱: ۲۸۶؛ باستانی پاریزی، ۱۳۷۷: ۲۳۷، ۲۳۸) به نظر می‌رسد میرزا مهدی‌خان پس از انتصاب مجدد به مقام خود، همچنان خودسرانه و به صورت ناعادلانه بر میزان نرخ مالیاتی می‌افزود. دولت قاجاری برای جلوگیری از این اجحاف میرزا مهدی‌خان کلانتر، در دوره زمامداری عبدالحمید میرزا ناصرالدوله (حک: ۱۲۹۸ - ۱۳۰۹ق) امر وزارت همراه با استیفا را مدتی به وزیر ایالت، میرزا سید کاظم واگذار کرد. میرزا سید کاظم مبلغی موسوم به استصواب بر نرخ مالیات ایالت افزود (احمدی کرمانی، ۱۳۷۱: ۳۱۲، ۳۱۴، ۳۱۵).

نیز این رویه در سایر کلانترهای کرمانی به عنوان یک سنت تداوم داشت. بنابر گزارش روزنامه حبل‌المتین کلانترهای کرمانی در سی یا چهل روز آخر سال ۱۳۲۱ق به کمک ضابطین برای جبران مقداری از مالیات عقب افتاده ایالت مردم را جریمه کردند (روزنامه حبل‌المتین، هشتم ذیقعه ۱۳۲۳: ۱۰/۱۳) گاهی اوقات که ضابطین موفق به جمع‌آوری مالیات نمی‌شدند کلانتر با زور و فشار بر مردم برای ارسال به موقع مالیات به خزانه مرکزی شخصا گردآوری بخشی از مالیات را می‌پذیرفت. به عنوان نمونه مختارالملک، کلانتر کرمان، به سبب آنکه ضابطین ایالت در سال ۱۳۲۳ق قادر به پرداخت اقساط مالیات در زمان مقرر به دیوان ایالت نبودند، پس از مشورت با برخی بزرگان حکومتی کرمان گردآوری

۱. منظور شهرهای ماهان، گنگر، قنّاه غسان، عبدل آباد، باغین، سرآسیاب، هوتک و چترود است (وزیری، ۱۳۸۵: ۱۶۷-۱۷۷).

۱۳۸۴: ۵۸۱، ۵۸۲، ۵۸۴، ۵۸۵).

علی‌رغم آنکه کلانتر در دوره قاجار به منزله «چشم و گوش شاه» بود؛ اما تعدیل استبداد علنی رژیم یکی دیگر از وظایف کلانتر بود (همبلی، ۱۳۸۴: ۵۸۲). برخی کلانترهای کرمانی با استفاده از موقعیت دیوانی و اجتماعی‌شان با مشاهده ظلم و ستم حاکم ایالت و نارضایتی مردم از او و با بیان «نمک نان از حد بیش کردند» و قبای وارونه پوشیدن، مخالفت و اعتراض خود را نسبت به سیاست‌های حاکم ایالت اعلام و مردم شهر و روستا را با خود همگام می‌کردند.

از سوی دیگر دولت با حمایت کلانتران، می‌توانست والیان خود را معزول کند (احمدی کرمانی، ۱۳۷۱: ۱۹۹-۲۰۰)؛ مثلاً میرزا کاظم کلانتر در برابر ظلم و ستم فراوان خانلرخان میرزا، حاکم کرمان (حک: ۱۲۵۵-۱۲۵۶ق) در سال ۱۲۵۶ق قبا را وارونه پوشید و نعل بازگوه زد و با برخی از بزرگان شهر به جیرفت رفت و در آنجا به همراه گروهی از سرشناسان شهر از قبول حاکم خانلرخان میرزا سرباز زد (وزیری، ۱۳۷۱: ۲۰۴، پانویس ش ۲۸) دربار قاجار نیز خانلرخان را عزل نمود (احمدی کرمانی، ۱۳۷۱: ۲۰۰).

۳-۶. وظیفه انتظامی و برقراری نظم و امنیت شهری

کلانتر به همراه کدخدا، بر قراول‌خانه‌ها رسیدگی و سرکشی و از این طریق نظم و امنیت شهری را تأمین می‌نمود (رساله کاتب کرمانی، ۱۳۷۱: ۴۸۰). همچنین کلانتر با پرداخت مقرری به فراش و با سربازان و چوب و فلکی که در اختیار او می‌گذاشت به تعقیب سارقین، دستگیری و مجازات آشوبگران می‌پرداخت (روزنامه حبل‌المتین، ۲۷ شوال ۱۳۲۳: ۱۰ / ۹). در دوران

عاملین مالیاتی به دستور کلانترها در کرمان نیز سالانه مبلغی به نام سربازگیری جدید و تهیه سپاه، از ارباب‌های روستا دریافت می‌کردند، تا مخارج سفر سرباز از محل سکونت تا اردوگاه و بخشی از هزینه‌های اقامت سرباز در اردوگاه نظامی تأمین شود. مالکین روستا نیز با زور و اجحاف بر توده مردم روستا این مبالغ پرداختی را تأمین می‌کردند (روزنامه حبل‌المتین، هشتم ذیقعد، ۱۳۲۳: ۱۰ / ۱۲).

کلانتر کرمانی، سالانه مالیات دیگری از مالک هر خرمن گندم در روستا به میزان پنج من گندم و یک بار کاه موسوم به «پاکاری» دریافت می‌کرد. البته در برخی نواحی کوهستانی مانند پاریز در سیرجان، سه طبقه «خواجگان» (بزرگان قوم)، «روضه‌خوان‌ها» و «مرده‌شورها» از پرداخت این نوع مالیات معاف بودند (باستانی پاریزی، ۱۳۸۱: ۴۰۷).

این شیوه‌های ناعادلانه کلانتر در دریافت مالیات روستایی درآمدی برای دولت نداشت و تنها منبع درآمدی برای کلانتر بود (روزنامه حبل‌المتین، ۲۷ شوال ۱۳۲۳ق: ۱۰ / ۹؛ همان، هشتم ذیقعد ۱۳۲۳: ۱۰ / ۱۲)؛ میرزا کاظم‌خان و پسرش، محمدزمان خان، که نابینا بودند و تقریباً به مدت شصت هفتاد سال کلانتری کرمان را بر عهده داشتند، از همین راه و با استثمار مردم ثروت هنگفتی اندوختند (همان: ۲۹ رمضان ۱۳۲۳: ۱۰ / ۱۷).

۲-۶. رابط میان مردم و حکومت

در دوره قاجار کلانتر نماینده جامعه و به عنوان واسطه بین مردم شهر و نماینده شاه، یعنی بیگلربیگی، بود و از نفوذ خود به نفع خانواده، دوستان و آشنایان استفاده می‌کرد (خسروبیگی، ۱۳۸۲، ۵۵؛ همبلی،

۱۳۲۵ق، پس از عزل حاکم ایالت، نصرت‌الدوله فیروز میرزا (حک: ۱۳۲۴-۱۳۲۵ق)، از طرف دربار مسئولیت نظم عمومی شهر را عهده‌دار شد؛ آن‌چنان‌که ولی خان پس از گذشت سه روز به کمک پنجاه شصت نفر پلیس، سعی داشت تا مردم را در بازار به اصرار و فقرا را با وعده ناهار و کسبه را با تهدید و ارباب و ضعیفان را با زور به تلگراف‌خانه ببرد تا با حفظ نظم شهر و اعلام رضایتمندی مردم از عملکرد دربار قاجار امنیت را برقرار کند (روزنامه صور/سرافیل، هشتم رجب ۱۳۲۵: ۴).

۳-۶-۱. روابط کلانتر با فرق و نحله‌های مذهبی

سیاست کلانترها در قبال فرقه نوظهور شیخیه گاه همدلانه و مسالمت‌جویانه بود و گاه خصمانه و ستیزه‌جویانه. این جهت‌گیری کلانترها به دلیل انتسابشان به دو طایفه ابراهیمی شیخی مذهب و وکیلی معتقد به متشرعه باز می‌گردد؛ اما برخی کلانترهای شیخی لوازم همکاری و دوستی متقابل بین پیروان این دو فرقه را فراهم می‌نمودند؛ چنان‌که مختارالملک کلانتر شیخی به منظور ایجاد روابط حسنه بین شیخیه و متشرعه و حفظ نظم عمومی شهر در سال ۱۳۲۳ق، پس از ورود حاج میرزا محمدرضا (متوفی ۱۳۲۴ش)، مجتهد متشرعه، به کرمان به استقبال او رفت و به اخراج برخی روحانیون مخالف شیخیه، مانند شیخ شمشیری از راور^۳، مبادرت کرد. عادل‌السلطنه، کلانتر کرمان، در اوج منازعه‌های فرقه‌ای شیخی و متشرعه از گزارش جدال‌های این

زامامداری غلامحسین سردار (حک: ۱۲۷۲-۱۲۷۵ق) آقا ابوالحسن، کلانتر آنار^۱ و یارانش پس از تعقیب سارقینی که به کاروان تجاری فارس حمله کرده بودند، اموال سرقت شده را به آنار آوردند تا به صاحبانشان بازگرداند (روزنامه وقایع اتفاقیه، بیست و هفتم صفرالمظفر ۱۲۷۲ق: ۱۶۴۴). شاید به سبب عملکرد مطلوب همین کلانترها بود که برخی مطبوعات کرمان را در سال ۱۲۷۲ق شهری آرام و امن توصیف کرده‌اند (همان: بیست و هفتم صفرالمظفر ۱۲۷۲ق: ۱۶۴۶). میرزا مهدی‌خان کلانتر در دوران حکومت عبدالحمیدمیرزا ناصرالدوله فرمانفرما (حک: ۱۲۹۹-۱۳۰۹ق) بر کرمان به فراش‌باشی روزی صد تومان می‌داد و چوب و فلک نیز با او بود (احمدی کرمانی، ۱۳۷۱: ۳۱۵). ظفرالسلطنه نیز در هفتم شعبان ۱۳۲۳ق، در اوج منازعه‌های فرقه شیخی^۲ و متشرعه، پس از انتصاب مجدد به حکومت و ورود به کرمان به منظور سرکوب آشوبگران اجتماعی به ارگ حکومتی وارد شد و با عدل‌السلطان، کلانتر کرمان، دیدار کرد تا ضمن آگاهی از اوضاع شهر، کلانتر را در سرکوبی آشوبگران و برقراری امنیت به همکاری با خود دعوت نماید (رساله کاتب کرمانی، ۱۳۷۱: ۴۷۴، ۴۷۵). کلانتر کرمان، ولی خان، در هشتم رجب

۱. آنار نام شهری در شمال غربی ایالت کرمان که از شمال به یزد و از جنوب به رفسنجان و از غرب به شهر بابک محدود بود (وزیری، ۱۳۸۵: ۲۹۵)

۲. پیروان شیخ احمد احسائی (متوفی ۱۲۴۱) که به شیخیه «پایین سری» معروف‌اند، نماز خواندن و ایستادن را در بالای سر قبر امام بی‌احترامی و آن را باطل می‌دانستند. مخالفان آنها متشرعه یا «بالا سری» به کسانی گفته می‌شود که نماز خواندن بالای سر قبر امامان شیعه را جایز می‌شمردند (باقری، ۱۳۹۲: ۱۴۴، ۳۷۴، ۳۷۵)

۳. راور نام بلوکی که از شمال و شرق به بیابان لوط و از جنوب به کرمان و کوهپایه و از غرب و جنوب غربی به دو شهر کوهستان و زرتند محدود بود (منشی کرمانی، ۱۳۹۱: ۱۸۸؛ وزیری، ۱۳۸۵: ۳۰۱)

صراحت دشمنی خود را با کسانی که آنها را مانع رسیدن به اهداف خود قلمداد می‌کرد، اعلام می‌نمود. به عنوان نمونه مسئول تلگراف‌خانه کرمان، حاج اعتمادالممالک، حمایت مغرضانه عدل‌السلطان و کدخدا از متشرعه در برابر شیخیه را به دربار گزارش می‌داد، به عمین سبب عدل‌السلطان در برابر کتک خوردن نوه حاج اعتمادالممالک در آشوب‌های خیابانی بی‌تفاوت بود (رساله کاتب کرمانی، ۱۳۷۱: ۴۲۱، ۵۲۵، ۵۴۳). دامنه اعتراض‌ها و ناامنی‌ها در این سال به سبب ناکارآمدی کلانتر به عزل والی ایالت، رکن الدوله، و انتصاب والی جدید، ظفرالسلطنه، و کتک خوردن و تبعید حاج میرزا محمدرضا از کرمان به رفسنجان منجر شد (همان: ۴۵۸-۴۷۴، ۵۱۵-۵۲۰).

۴-۶. نظارت بر اصناف و نرخ‌بندی عادلانه ارزاق

ضروری شهری

کلانتر ریش سفید اصناف را انتخاب می‌کرد (میرزا رفیعا، ۸ - ۱۳۴۷: ۱۲۱). برخی کلانترهای حریص کرمانی به بهانه سرکشی و نظارت بر قیمت اجناس مغازه‌داران مبلغی رشوه از همه صاحبان اصناف در شهر، به‌ویژه میوه‌فروش‌ها دریافت می‌کردند و در مقابل فروشنده را در نرخ‌گذاری اجناسش آزاد می‌گذاشتند. کلانتر کرمانی در صورت عدم دریافت رشوه از میوه‌فروش، خودسرانه میوه‌هایی مانند خیار سبز و بادمجان را نرخ‌گذاری می‌کرد و این افزایش ناعادلانه و بی‌رویه قیمت میوه‌های یادشده، نه تنها به زیان مصرف‌کننده که به ضرر زارعین نیز بود (روزنامه حبل‌المتین، ۲۹ رمضان ۱۳۲۳: ۱۰/۱۶). گاهی اوقات کلانترها کاه،

دو فرقه به حکومت خودداری کرد (رساله کاتب کرمانی، ۱۳۷۱: ۵۳۸، ۵۳۹) و گاهی برای کاهش تنش بین این دو فرقه به تنبیه پیروان متخلف هر دو فرقه مبادرت می‌نمود (همان: ۴۷۹). نیز در همین سال، کلانتر به همراه فراش‌باشی به فرمان حاکم ایالت، ظفرالسلطنه، پس از تبعید حاج محمدرضا مجتهد از کرمان به رفسنجان، ضمن عطای مبلغ پنج شاهی به پیروان متشرعه، مشوق آنها به اقامه نماز جماعت در مساجد متشرعه شد و با تهدید اغتشاش‌گران درصدد دستگیری آنها برآمد (همان: ۱۳۷۱: ۵۴۹، ۵۵۰).

در سال ۱۳۲۳ ق برخی دیگر از کلانترهای کرمانی منتخب از طایفه وکیلی و معتقد به مسلک متشرعه به سبب رقابت‌شان با حاکم ایالت که از طایفه ابراهیمی شیخی بود، سعی داشتند تا حاکم ایالت را معزول و خود به جای وی در منصب قدرت قرار گیرند. برای نیل به این مقصود، با حمایت از روحانیون و مجتهدان متشرعه و مخالفت با پیروان مذهب شیخیه اسباب مشاجره‌های فرقه‌ای و بی‌نظمی گسترده‌ای را در قالب نزاع‌های شیخی - بالاسری را در کرمان پدید آوردند. عدل‌السلطان کلانتر کرمان، پسر وکیل‌الملک ثانی، در سال ۱۳۲۳ ق همراه با عدل‌السلطنه، رئیس قشون کرمان، با پرداخت وجهی پول و وعده وجهی به صورت مقرری ماهیانه به آشوبگران آنها را به مخالفت با شیخیه دعوت کرد (رساله کاتب کرمانی، ۱۳۷۱: ۴۱۶). در منازعه شیخی و بالاسری در کرمان در سال ۱۳۲۳ ق عدل‌السلطان، کلانتر کرمان، در مخالفت با شیخیه به حمایت از رهبر جنبش متشرعه حاج میرزا محمدرضا مجتهد برخاست. وی به

گاهی اوقات ارباب‌های روستا به جای پرداخت وجه نقد گندم را به همکاران کلانتر، یعنی عاملین مالیاتی، می‌فروختند و آنها گندم را با همراهی کلانترها به قیمت بیشتری به جامعه عرضه می‌کردند و سود فراوانی می‌بردند. بدین شیوه در کرمان یک سال نرخ صد من گندم از شش تومان به بیست و پنج تومان افزایش یافت. عاملین مالیاتی زیر نظر کلانترها در شهر هر ساله برای انتقال گندم به سایر نواحی شهری مبلغی را در برابر خدمت‌شان از نانوایان دریافت می‌کردند (روزنامه حبل‌المتین، ۲۹ رمضان ۱۳۲۳: ۱۶/۱۰) و بدین روش‌ها بر نرخ نان می‌افزودند. بنابراین مقام کلانتری در کرمان به یکی از مشاغل حساس تبدیل شد و یکی از ویژگی‌های گزینش افراد به این مقام احساس مسئولیت و تهیه و ارسال به موقع نان و ارزاق عمومی به شهر و مناعت طبع و دوری از حرص و طمع و آز بود (روزنامه حبل‌المتین، هشتم ذی‌قعدة ۱۳۲۳: ۱۶/۱۰).

کلانترهای مناطق کوهستانی ایالت نیز در اوایل پاییز هر سال موظف بودند تا پس از بازرسی خانه‌های مردم، هر کسی را که آذوقه سالیانه خانواده خود را فراهم نکرده بود، قبل از شروع زمستان از آن آبادی بیرون کنند تا به جای دیگر برود؛ زیرا در زمستان‌های سخت و شدید که امکان فرار برای رفتن به جای دیگر نبود، افراد از گرسنگی و سرما می‌مردند و یا به ناچار دزدی می‌کردند. از این رو جامعه برای بقای خود به کلانتر وقت این اختیار را داده بود تا فرد بی‌مسئولیت را فدای هموعان خود کند تا آسایش و امنیت برای عموم تأمین شود (باستانی پاریزی، ۱۳۸۱: ۳۹۹، ۴۰۰؛ باستانی پاریزی، ۱۳۶۹: ۵۷۲). در اینجا اسامی کلانتران کرمانی که در مقاله به کار رفته به ترتیب تاریخی آورده می‌شود:

علف و مقادیر قابل توجهی غله به بهانه خرید برای اصطبل‌های حکومتی از اصناف دیگر خریداری می‌کرد و در مقابل وجوه بسیار پایینی به فروشنده می‌پرداخت یا با ارائه حواله ای دولتی به فروشنده خود را از پرداخت پول نقد معاف می‌نمود (روزنامه حبل‌المتین، ۲۹ رمضان ۱۳۲۳: ۱۶/۱۰).

کلانتر گاهی اوقات اگر به حضور تجار، بازاریان، صاحبان اصناف و کارگران صنعت بافندگی در تجمعات خیابانی در جهت رسیدن به اهداف خود نیاز داشت، دستور به تعطیلی مراکز خرید و فروش، بازار، کاروانسراهای تجاری و کارگاه‌های تولیدی کرمان می‌داد. به عنوان نمونه، عدل‌السلطان، کلانتر کرمان، در سال ۱۳۲۳ ق به منظور شرکت مغازه‌داران، صاحبان اصناف، تجار کاروانسراهای کرمان (گیر، یهود و هندو) و کارگران بافنده در اغتشاش‌های خیابانی و اعتراض به عزل و نصب حاکم کرمان به تعطیلی این مراکز تولیدی، تجاری و داد و ستد دستور داد (رساله کاتب کرمانی، ۱۳۷۱: ۴۵۰، ۴۵۸، ۴۶۰، ۴۶۱).

کلانتر نقش عمده‌ای در تثبیت قیمت مواد غذایی ماهیانه مورد نیاز مردم داشت تا همیشه اجناس به وفور و ارزان در دسترس مردم قرار گیرد (روزنامه حبل‌المتین، ۲۷ شوال ۱۳۲۳: ۱۰/۹؛ Floor, 2012: xv/ 366). کمبود و یا فقدان نان در شهر حتی برای مدت کوتاهی به شورش عمومی علیه کلانتر و حتی قتل او منجر می‌شد (روزنامه حبل‌المتین، ۲۷ شوال ۱۳۲۳: ۱۰/۹). یحیی‌خان، کلانتر کرمان، در سال ۱۲۹۶ ق به جرم بی‌توجهی به امور معیشتی و نان مصرفی مردم و توهین به آنها در شورش عمومی به قتل رسید (وزیری، ۱۳۸۵: ۱۵۱؛ باستانی پاریزی، ۱۳۷۹: ۳۱۹، پانویس ش ۲).

کلانتران از چارچوب مسئولیت‌های خود پا فراتر نهند و با حمایت از آشوبگران سیاسی و با فروش مناصب حکومتی رفتار خودسرانه‌ای در پیش گرفتند که از سوی دولت قاجاری تبعید یا عزل شدند. همچنین در صورتی که منافعشان با حکومت مرکزی در انتخاب والی در تعارض قرار می‌گرفت، به شدت نارضایتی و خشم خود را اعلام می‌کردند و از دیدگاه دربار به عنوان معترض سیاسی به شمار می‌رفتند. از سویی با ظهور انقلاب مشروطه و تجدد و شکل‌گیری برخی ادارات جدید مقام کلانتری به عنوان نهادی سنتی کارایی خود را از دست داد. به طور کلی عملکرد کلانترها در انجام یا عدم انجام وظایف‌شان بر تغییرات ساختار سیاسی و اجتماعی کرمان مؤثر بود. برخی از آنها با مشاهده ظلم و ستم‌های والی به عنوان نماینده قشر محروم جامعه مخالفت خود را نسبت به سیاست حاکم نشان می‌دادند و دربار به عزل او اقدام می‌کردند. نیز گاهی با دعوت فرق و مذاهب حاضر در شهر کرمان به دوستی و سیاست همزیستی مسالمت‌آمیز در کنار یکدیگر نظم عمومی شهر را تأمین و با دستگیری سارقین و راهزنان به امنیت راه‌های منتهی به شهر کمک شایانی می‌نمودند؛ اما از سویی برخی کلانترها با فرض اینکه منصب کلانتری وسیله‌ای برای ارتقای مالی و سیاسی‌شان است، در جمع‌آوری مالیات رویه واحدی را دنبال نکردند. آنها با اخذ رشوه از خراج‌گزاران و اصناف و افزایش نرخ مالیات و فشار بر توده مردم را راه کسب درآمد خود قرار دادند، که بدعت‌هایی در امر مالیات‌گیری بود. نیز با ستیزه‌جویی با حاکم و حمایت از اغتشاش‌گران و دامن زدن به نزاع‌های فرقه‌ای در صدد بودند تا والی را به دربار ناکارآمد معرفی کنند.

نام کلانتر	وابستگی‌های قومی (کلانتری، ابراهیمی، وکیلی)	سال اتمام یا شروع یا زمان عهده دار بودن منصب
میرزا کاظم	کلانتری	اتمام ۱۲۵۲ق
ابوالحسن خان	کلانتری	۱۲۵۲- (۱۲۵۵ق؟) شروع
محمد زمان خان	کلانتری	سی سال حدود ۱۲۵۵- ۱۲۵۸ق
میرزا مهدی خان	کلانتری	بیست‌سال (۱۲۸۵- ۱۲۹۵ق) (۱۲۹۹- ۱۳۰۹ق)
میرزا حسن خان	ابراهیمی	۱۳۲۰- ۱۳۲۳ق
عدل السلطان	وکیلی	۱۳۲۳- ۱۳۲۳ق
ولی خان	وکیلی	۱۳۲۵ق در این سال کلانتر بوده است

۷. نتیجه

کارکرد اداری وظایف منصب کلانتری در دوره قاجار تداوم همان وظایف این منصب دوره صفوی بود. اما در انتخاب و ساختار قدرت و کارکردهای این منصب تغییراتی ایجاد شد. وجود دو طایفه بانفوذ و معروف در کرمان دوره قاجار (وکیلی، احفاد و فرزندان محمداسماعیل خان وکیل‌الملک؛ و ابراهیمی، اعقاب ابراهیم خان ظهیرالدوله) سبب شد تا نسبت به دوره صفویه که منحصرآ کلانتری در بین افراد خاندان کلانتری دست به دست می‌شد، افرادی از این دو طایفه نیز به این مقام نائل شوند. در ابتدای دولت قاجار کلانتر پس از حاکم ایالت دومین شخصیت سیاسی به‌شمار می‌رفت و مقام کلانتری در مقایسه با دیگر ادوار تاریخی دارای تشکیلات اداری و کارمندان ویژه‌ای بود، ولی به‌تدریج از اقتدار سیاسی این منصب کاسته شد؛ زیرا گاهی برخی از

منابع

- احمدی کرمانی، یحیی (۱۳۷۱). *فرماندهان کرمان (به ضمیمه رساله کاتب کرمانی)*. تصحیح و تحشیه باستانی پاریزی. چاپ پنجم. تهران: علم.
- ابوت، کیث ادوارد (۱۳۹۵). *شهرها و تجارت ایران در دوره قاجار*. ترجمه سید عبدالحسین رئیس‌السادات. تهران: امیرکبیر.
- اورسل، ارنست (۱۳۵۲). *سفرنامه اورسل*. ترجمه علی اصغر سعیدی. [بی‌جا]: شرکت افست.
- باستانی پاریزی، محمدابراهیم (۱۳۸۱). *از پاریز تا پاریس*. تهران: علم.
- باستانی پاریزی، محمدابراهیم (۱۳۸۲). *درخت جواهر*. تهران: علم.
- باستانی پاریزی، محمدابراهیم (۱۳۶۹). *سنگ هفت قلم*. تهران: علم.
- باستانی پاریزی، محمدابراهیم (۱۳۷۷). *فرمانفرمای عالم*. چاپ چهارم. تهران: علم.
- باستانی پاریزی، محمدابراهیم (۱۳۷۹). *مقدمه و حواشی بر پیغمبر دزدان*. چاپ هیجدهم. تهران: علم.
- باستانی پاریزی، محمدابراهیم (۱۳۷۱). *مقدمه و حواشی بر فرماندهان کرمان*. چاپ پنجم. تهران: علم.
- باستانی پاریزی، محمدابراهیم (۱۳۸۵). *مقدمه و حواشی بر جغرافیای کرمان*. چاپ پنجم. تهران: علم.
- باقری، علی‌اکبر (۱۳۹۲). *نقد و بررسی آرای کلامی شیخیه*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- براون، ادوارد گرانویل (۱۳۸۶). *یکسال در میان ایرانیان*. ترجمه مانی صالحی علامه. تهران: اختران.
- به رنگ کویر؛ گزارش‌های محرمانه هفتگی کنسولگری انگلیس در کرمان سال ۱۹۱۷ میلادی (۱۳۹۸). ترجمه یدالله آقا عباسی. تصحیح و تحشیه سید محمدعلی گلاب‌زاده. مجید نیک‌پور. تهران: سوره مهر وابسته به حوزه هنری.
- حسینی فسائی، حاج میرزا حسن (۱۳۶۷). *تصحیح و تحشیه منصور رستگار فسائی*. تهران: امیرکبیر.
- خسرویگی، هوشنگ (۱۳۸۲). «منصب کلانتر در اوایل دوره قاجار». *فصلنامه بیک نور*. شماره ۱. بهار.
- رساله کاتب کرمانی (۱۳۷۱). *ضمیمه فرماندهان کرمان*. تصحیح و تحشیه باستانی پاریزی. چاپ پنجم. تهران: علم.
- رنجبر، روح الله (۱۳۹۱). «وظایف کلانتر اصفهان بازخوانی یک سند در مورد وظایف کلانتر اصفهان در دوره صفویه». *فصلنامه پیام بهارستان*. شماره ۱۶. تابستان.
- روزنامه *حبل‌المتین* (۱۳۸۳). ۲۷ شوال ۱۳۲۳ مصادف با ۲۵ دسامبر ۱۹۰۵. شماره ۱۸. سال سیزدهم. تهیه و تنظیم عنایت الله رحمانی. تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی.
- روزنامه *حبل‌المتین* (۱۳۸۳). دوشنبه ۲۹ رمضان ۱۳۲۳ مصادف با ۲۷ نوامبر ۱۹۰۵. شماره ۱۴. سال سیزدهم. تهیه و تنظیم عنایت الله رحمانی. تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی.
- روزنامه *حبل‌المتین* (۱۳۸۳). ۸ ذی‌عده ۱۳۲۳. شماره ۱۹. سال سیزدهم. تهیه و تنظیم عنایت الله رحمانی. تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی.
- روزنامه *دولت علیه ایران* (۱۳۸۳). روز پنج‌شنبه. ربیع‌الاول مطابق سال بارس ثیل. تهران.
- روزنامه *صور اسرافیل* (۱۳۷۷). سال ۱۳۲۵. به نقل از فرمانفرمای عالم. تهران: علم.
- روزنامه *صور اسرافیل* (۱۳۲۵). هشتم رجب ۱۳۲۵. شماره ۱۳. سال اول. به مدیریت میرزا قاسم خان تبریزی. تهران.
- روزنامه *وقایع اتفاقیه* (۱۲۷۲). روز پنج‌شنبه. ۲۷ صفر المظفر. مطابق با سال توشقان ثیل ۱۲۷۲. شماره ۲۵۹. تهران.
- سلیمانی، کریم (۱۳۷۹). *القاب رجال دوره قاجار*. تهران: نی.
- سیرجانی، شیخ محمد حسن (۱۳۷۹). *معروف به پیغمبر دزدان. نامه‌ها و اشعار*. به تصحیح و مقدمه و حواشی باستانی پاریزی. چاپ هیجدهم. تهران: علم.

- طباطبایی بهبهانی (منصور)، سید محمد (۱۳۹۱) «سلسله کلاتران بهبهان». پژوهش‌های ایرانشناسی. شماره ۲. پاییز و زمستان.
- فرهانی منفرد، مهدی (۱۳۷۸) «منصب کلاتر و چند سند در مورد دو تن از کلاتران عصر صفوی». گنجینه اسناد. شماره ۳۵، ۳۶. پاییز و زمستان.
- لمبتون، آن کاترین سواين فورد (۱۳۶۲). نگرشی بر جامعه اسلامی در ایران. ترجمه یعقوب آژند. [بی‌جا]. [بی‌نا].
- مشیزی، میر محمد سعید (۱۳۶۹). تذکره صفویه. مقدمه و تصحیح و تحشیه باستانی پاریزی. چاپ اول. تهران: علم.
- منشی کرمانی، محمدامین (۱۳۹۱). جغرافیای ایالت کرمان در عهد ناصری. تصحیح و تحشیه مجید نیک‌پور. تهران: سازمان اسناد و کتابخانه جمهوری اسلامی ایران.
- میرزا رفیعا (۸ - ۱۳۴۷). دستورالملوک. به کوشش محمد تقی دانش پژوه. ضمیمه مجله دانشکده ادبیات تهران. سال ۱۶. شماره ۵۰۶.
- وزیری، احمد علی (۱۳۷۵). تاریخ کرمان. تصحیح و تحشیه باستانی پاریزی. ج ۲. چاپ چهارم. تهران: علمی.
- وزیری، احمد علی (۱۳۸۵). جغرافیای کرمان (به ضمیمه رساله دهات کرمان). به تصحیح و تحشیه باستانی پاریزی. چاپ پنجم. تهران: علم.
- وزیری، احمد علی (۱۳۷۱). خلاصه رساله بلوچستان. به نقل باستانی پاریزی. در فرماندهان کرمان. تهران: علم.
- هدایت، رضاقلی‌خان (۱۳۳۹). ملحقات تاریخ روضه الصغای ناصری. قم: پیروز.
- همبلی، گاوبن (۱۳۸۴). «شهر سستی ایران در دوره قاجار». تاریخ ایران از مجموعه تاریخ کمبریج. دوره افشار. زند و قاجار. به سرپرستی پیترو آوری. ترجمه مرتضی ثاقب‌فر. تهران: جامی.

Floor, willem (2012). KALANTAR. Encylopaedia. Iranica. Vol XV. Fasc. 4.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی